منا‌قشه صاحب مستند در کلام صاحب حدائق

5:32

مرحوم صاحب حدائق هم حرف مسالک را فرمودند. فقط تذکر دادند که خیلی از اصحاب این قید را نیاورده‌اند و تنها مطلق یوم الثالث‌ین را فرموده‌اند. آن چه که مرحوم نراقی در مستند فرمودند این بود: ایشان به صاحب حدائق فرمودند شما می‌خواهید با این جمع چه کار کنید؟

> **أقول: الأمر و إن كان كذلك، لتعليق الحكم في الأخبار طرّا على يوم الشكّ، و هو لا يكون إلّا مع شبهة[1]**

«أقول: الأمر و إن كان كذلك»؛ این را پذیرفتند، چرا؟ **«لتعليق الحكم في الأخبار طرّا على يوم الشكّ، و هو لا يكون إلّا مع شبهة»**؛ پس مطلق نیست. ایشان این را پذیرفتند. اما دنباله آن فرمودند خب حالا می‌خواهید چه کار کنید؟ می‌خواهید عدم استحباب را نتیجه بگیرید؟ یا می‌خواهید عدم اجزاء را نتیجه بگیرید؟ هیچ‌کدام از اینها ثابت نیست، بلکه اصحاب خلاف آن را می‌گویند.

> **و لكن لا تترتّب على ذلك التحقيق فائدة، لأنّها إمّا في مرجوحيّة الصوم مع عدم المانع و عدمها معه، أو في الإجزاء عن رمضان لو صامه و بان أنّه من رمضان و عدمه، و لا يقول هو و لا أحد من الأصحاب فيما أعرف- إلّا ما حكي عن المفيد- بمرجوحيّة صومه، و لا بعدم الإجزاء إن أمكن مع الصحو اتّفاق ثبوت الهلال في بلد آخر، و مع ذلك تدلّ على الإجزاء العلّة المنصوصة و الدليل العقلي المتقدّمان. و إن لم يمكن ذلك فعدم الفائدة أظهر[2]**

«و لكن لا تترتّب على ذلك التحقيق فائدة»؛ ای می‌خواهید بگویید که مرجوحیت صوم مع الصحو است، **«لأنّها إمّا في مرجوحيّة الصوم مع عدم المانع و عدمها معه، أو في الإجزاء»**؛ که این هم احتمال دوم است که در روایت مطرح است. کدام یک از اینها را می‌خواهید بگویید؟

«و لا يقول هو»؛ صاحب حدائق **«و لا أحد من الأصحاب فيما أعرف- إلّا ما حكي عن المفيد- بمرجوحيّة صومه»**؛ همه می‌گویند مستحب است و به مرجوحیت قائل نیستند. این برای استحباب بود. از آن طرف می‌فرمایند: **«و لا بعدم الإجزاء»**؛ از آن طرف احدی نداریم که بگویند مجزی نیست. **«إن أمكن مع الصحو اتّفاق ثبوت الهلال في بلد آخر»**؛ بعداً در جای گفتند، مجزی است. **«و لا بعدم الاجزاء»**؛ یعنی همه قائل هستند به اجزاء. این هم اعراض در اجزاء است. این

فرمایش مرحوم نراقی در مستند بود.

شاگرد: اعراضی که موهن است، مگر اعراض قدمایی نیست؟ وقتی ما کلمات متاخرین را بررسی می‌کنیم، حدسی بودنش قوی است. اما قدما به این صورت نیست.

استاد: علی ای حال وقتی در بین قدما، اسم از مفید می‌برند که مع الصحو مکروه است، یعنی اگر غیر از ایشان هم بود می‌گفتند. یعنی تنها مفید آن هم تنها در یک رساله‌شان قائل به کراهت –البته با شرط صحو- هستند. معلوم می‌شود که همه همراه هستند. حال در اینکه این اعراض از روایت ابن خالد سر برسد یا نه، سؤالاتی هست. من عرض می‌کنم. در اینجا مطالب خوبی هست. باید بیشتر ملاحظه کنید.

شاگرد۲: اشکال مستند به صاحب حدائق وارد نیست. چون چون صاحب حدائق می‌خواهند بگویند که اگر شک باشد یک استحباب زائدهای دارد. اما اگر شک نباشد استحباب ماه شعبان که هست. فلذا مخالفتی هم با مشهور ندارد. استحباب مشهور هم اعم از خود صوم الشک و خود شعبان است.

استاد: بله، ولی عبارت «مستند»، به مرجوحیت زده‌اند. یعنی سراغ کراهت و عدم کراهت رفته‌اند نه سراغ اصل استحباب. حال ببینیم. هنوز مطالبی که من می‌خواهم عرض بکنم بحث را جلوتر می‌برد.

---

[1] مستند الشيعة في أحكام الشريعة؛ ج۱۰، ص: ۲۰۲

[2] همان ۲۰۳

بازبینی #1
ایجاد شده 25 مه 2026 13:38:31 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 مه 2026 13:39:47 توسط ... .